



سید علی محمد شیرازی (باب)

این تصویر از بریده نشریه‌ای بسیار قدیمی (بیش از ۵۰ سال قبل) به دست آمده است.



Сейдъ Али Моменъ — „БАБЪ“
(Работа персидскаго художника)

формы по образцу Европы. Что же касается до



میرزایحیی نوری (صبح ازل)

رهبر مذهبی بابیان ازلی، فرزند میرزا بزرگ نوری و برادر کوچک ناتنی میرزا حسینیعلی نوری (بهاء الله) بود.

ظهور او، گسترش عدل و داد در زمین، رجعت، نفخ روح و... یا خرافات خوانده می‌شد یا با تفسیری معنوی و ماورائی پذیرفته می‌شد. باورهای هم‌چون آگاهی اولیاء خداوند از غیب، ولایت تکوینی و عصمت ایشان، بزرگداشت مقابر ایشان و مقام شفاعت ایشان نیز گاه با عنوان «شرک» کنار گذاشته شده و کتاب‌های روایی و حدیثی شیعیان هم‌آکنده با باورهای نادرست قلمداد می‌شد. به کوتاه سخن، «خرافات و اباطیلی» که بر «اسلام خالی از شیب و ریب» و «شریعت سهله و ستمحه» بسته شده بود، عامل اساسی انحطاط مسلمانان به‌ویژه شیعیان دانسته شده و بر ضرورت «تفسیر دین» با «مقتضیات زمان» دست گذاشته می‌شد.

ازلیان از یک سو، به سبب نهمان زیستی و کتمان عقیده و ترس از آسیب و از سوی دیگر، به سبب باور جدی به بشارت‌های باب در فراگیری زود هنگام آیین بیان و برپایی حکومت پادشاهی دینی بیانی، آیین بیان را آشکارا تبلیغ نمی‌کردند و ضمن دخالت در تکاپوهای سیاسی ضد قاجار، روش‌هایی غیرمستقیم را برای گسترش آیین خود برمی‌گزیدند. دخالت ایشان در رخدادهایی همچون کشتن ناصرالدین شاه قاجار، برپایی جنبش مشروطیت ایران و سرانجام انقراض سلطنت قاجار و انتصاب رضاشاه پهلوی به مقام سلطنت، همگی برای عملی شدن آن بشارت‌ها بود. یکی از روش‌های غیرمستقیم ایشان برای تبلیغ آیین بیان، دست‌گذاشتن بر «خرافات شیعیان» و ضرورت بازگشت به «اساس و حقیقت اسلام»، آن‌هم در ظاهر مسلمانی بود. این روش یکی از اصلی‌ترین مقدمات پیدایش «دعوت اصلاح دین در ایران» شد.

در میان آن داعیان بابی نهمان زیست، شیخ هادی نجم‌آبادی که از عالمان دینی تهران شناخته می‌شد، اما در نهمان از شهداء بیان و

ماندند. واکنش سخت حکومت قاجار در کشتن بابیان سبب شد تا ایشان به «نهمان زیستی» و «کتمان عقیده» روی آورند. این سنت در میان بهائیان کم‌رنگ شد اما به عکس، در میان ازلیان به تدریج تبدیل به بخشی از هویت‌شان شد. ایشان مانند مسلمانان به آنچه از دیانت اسلام رسیده بود توجه می‌کردند و در ظاهر به شعائر اسلامی نظر داشتند اما دعوت بابی را به شکلی مخفی و پنهانی پی‌می‌گرفتند. این گروه همچنین، با آن ظاهر اسلامی توانستند در نهاد‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و دینی دوره قاجار حضور یافته و بر همین اساس نقش‌هایی گاه مهم در رخداد‌های آن دوره داشته باشند. سنت نهمان زیستی و کتمان عقیده در سال‌های پس از درگذشت صبح ازل، یعنی از ۱۳۳۰ قمری به بعد، از سوی میرزایحیی دولت‌آبادی که در مقام شهید بیان به رهبری ازلیان رسیده بود، نهادینه‌تر شد. او به ازلیان دستور داد تا از سر تا به پا مانند شیعیان باشند تا مردم ایشان را شیعه بپندارند.

از سوی دیگر، باب با تعریف جدید خود از قیامت و نیز نفی تقریبی یا گاه تحقیقی معجزات و کارهای خارق عادت از اولیای خداوند و منحصر دانستن معجزات به آیات، سبب شد تا پیروانش به آن دسته از گزاره‌های اسلامی مربوط به قیامت و معجزات، رویکردی ویژه یابند. این رویکرد در برخی روایت‌ها یا به دست دادن تفسیری خاص از برخی دیگر، که تفسیرهای بابی بر گزاره‌های اسلامی خوانده شدند، نمود می‌یافت. به سخن دیگر، بابیان با توجه به اصولی که باب به دست داده بود، کارهای خارق عادت اولیاء خداوند را «خرافات» می‌شمردند یا «تفسیر معنوی و ماورائی» از آنها به دست می‌دادند. بر همین اساس بود که برخی باورهای رایج شیعیان چون خاتمیت پیامبر اسلام (ص) و معراج او، غیبت امام دوازدهم و علامت‌های

**شیخ هادی
نجم‌آبادی از عالمان
دینی تهران، در نهمان
از شهدای بیان و
معدود صاحبان
آیات الهی پس از
باب و صبح ازل
بود و جایگاهی
ویژه داشت. وی از
منظر سیاسی، در
میان پدران جنبش
مشروطیت ایران
جای داشت و از
منظر اندیشگانی،
«معلم فکر اصلاح
دین در عصر قاجار»
بود.**